

انواع جملات در عربی: جمله اسمیه، جمله فعلیه

نکته ۹۱: جمله فعلیه جمله ای است که با فعل شروع می شود. رَجَعَ مُحَمَّدٌ إِلَى بَيْتِهِ

نکته ۹۲: ارکان اصلی جمله فعلیه (فعل - فاعل - مفعول به «اگر فعل متعدی باشد») كَتَبَ عَلِيُّ الدَّرْسَ

۱- فعل: فعل غالباً در اول جمله فعلیه واقع می شود.

۲- فاعل: انجام دهنده کار یا حالتی است.

نکته ۹۳: هر فعلی یک فاعل دارد و فاعل همیشه بعد از فعل می آید: ذَهَبَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ سَعِيدٌ

نکته ۹۴: فعل باید در مذکر و مؤنث بودن با فاعل مطابقت کند: ذَهَبَ عَلِيٌّ - ذَهَبَتْ فَاطِمَةُ

نکته ۹۵: فاعل به صورت ها و اشکال گوناگونی در جمله می آید:

ترین حالت فاعل این است که به شکل يك اسم بعد از فعل های للغائب و للغة) مفرد مذکبائر یا مؤنث غائب (ظاهر

۱- ساده

می شود و به آن فاعل از نوع «اسم ظاهر» گفته می شود:

ذَهَبَ رَادِمَانُ إِلَى الْمَلْعَبِ . رَجَعَ يَاسِينُ إِلَى بَيْتِهِ . جَلَسَ أَرْمِينُ عِنْدَ أَبِيهِ .

■ اگر فاعل اسم ظاهر باشد فعل آن همواره به صورت مفرد مذکبائر یا مؤنث آورده می شود هرچند فاعل مثنی یا جمع هم باشد:

ذَهَبَ الطَّالِبُ / ذَهَبَ الطَّالِبَانِ / ذَهَبَ الطَّالِبُونَ / ذَهَبَتِ الطَّالِبَةُ / ذَهَبَتِ الطَّالِبَتَانِ / ذَهَبَتِ الطَّالِبَاتُ

۲- گاهی فاعل به شکل ضمیر به آخر فعل متصل می گردد به این نوع فاعل «ضمیر بارز» گفته می شود:

الطَّلَابُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ . الطَّالِبَاتُ رَجَعْنَ إِلَى بَيْتِهِنَّ . جَلَسْتُ عِنْدَ أُخِيكَ .

◀ فاعل (ضمیر بارز) به ترتیب در فعل های

ماضی: ذَهَبَ - ذَهَبَا - ذَهَبُوا - ذَهَبَتْ - ذَهَبْتَا - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتُمْ

مضارع: يَذْهَبُ - يَذْهَبَانِ - يَذْهَبُونَ - تَذْهَبُ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبِينَ

تَذْهَبُ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبِينَ

أَذْهَبُ - أَذْهَبَانِ - أَذْهَبُونَ - تَذْهَبُ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبِينَ

أَذْهَبُ - نَذْهَبُ

(-) (-)

ذَهَبْتُ - ذَهَبْنَا

(ت) (نا)

أمر: إِذْهَبْ - إِذْهَبَا - إِذْهَبُوا - إِذْهَبِي - إِذْهَبِي - إِذْهَبِي - إِذْهَبِي - إِذْهَبِي

(-) (ل) (و) (ي) (ل) (ن)

۳- فاعل گاهی نه به شکل اسم ظاهر است نه به صورت ضمیر بارز در چنین مواقعی فاعل به شکل ضمیر در فعل پنهان است. این نوع فاعل را «ضمیر مستتر» می نامیم:

فاعل در صیغه های زیر همواره مستتر است:

◀ مفرد مذکر مخاطب (مضارع و امر):

يا رستمُ أَنْتَ تَذْهَبُ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ فَارْكُتُبْ لَنَا الرِّسَالَةَ

فعل و فاعل آن ضمیر آنست مستتر فعل و فاعل آن ضمیر آنست مستتر

◀ متکلم وحده (مضارع): اذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ لِشَاهِدَةِ الْمُبَارَاةِ بَيْنَ فَرِيقَتَيْ إِيرَانَ وَ الصِّينِ

فعل و فاعل آن ضمیر انا مستتر

◀ متکلم مع الغير (مضارع): نَشَاهِدُ أَمَامَ الصَّفِّ مَعْلَبَنَا

فعل و فاعل آن ضمیر نحن مستتر

◀ فاعل در صیغه های زیر دو وجهیست یعنی یا اسم ظاهر است یا به شکل ضمیر مستتر:

مفرد مذکر عائِب

(ماضی): ذَهَبَ عَلِيٌّ

فاعل

عَلِيٌّ ذَهَبَ

فعل و فاعل آن ضمیر هو مستتر

(مضارع): يَذْهَبُ عَلِيٌّ

فاعل

عَلِيٌّ يَذْهَبُ

فعل و فاعل آن ضمیر هو مستتر

مفرد مؤنث عائِب

(ماضی): ذَهَبَتْ فَاطِمَةُ

فاعل

فَاطِمَةُ ذَهَبَتْ

فعل و فاعل آن ضمیر هی مستتر

(مضارع): تَذْهَبُ فَاطِمَةُ

فاعل

فَاطِمَةُ تَذْهَبُ

فعل و فاعل آن ضمیر هی مستتر

نکته ۹۶: فعل برای جمع های غیر انسان به صورت مفرد مؤنث می آید:

إِنَّ الْحَيَوَانَاتِ تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيبِيَّةِ

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَتَّبِعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضْيِيَّةِ .

نکته ۹۷: ممکن است بین فعل و فاعل فاصله بیافتد: كَتَبَ الْيَوْمَ فِي دَفْتَرِي الْجَمِيلِ تَلِيدًا اسْمُهُ أَحْمَدُ .

فاعل

فعل

نکته ۹۸: راهجای تشخیص فاعل:

۱) از طریق اعراب (حرکت): معمولاً اگر بعد از فعل معلوم کلمه ای علامت رفع (ـُـ - ان - ون) داشته باشد فاعل محسوب می شود. شَرِبَتِ الْغَزَالَهٗ مِنْ مَاءِ النَّهْرِ

۲) از طریق معنا: قبل از ترجمه فعل جمله «چه کس و چه چیز» قرار می دهیم جواب مورد نظر فاعل است. بَرَزَ الثَّعْلَبُ (روابه آشکار شد): چه کس آشکار شد؟ روباه «فاعل» جمله است.

نکته ۹۹: ۳- مفعول: اسمی که کار روی آن واقع می شود. كَتَبَ التَّلِيذُ الرِّسَالَةَ

نکته ۱۰۰: فعل جمله ای که مفعول در آن وجود دارد حتماً باید متعدی باشد. پس فعل های لازم نمی توانند مفعول داشته باشند:

- | | |
|--|--|
| ۱- فعلهای باب افعال غالباً متعدی هستند. | ۶- فعل های باب تفاعل لازم هستند. |
| ۲- فعلهای باب تفعیل غالباً متعدی هستند. | ۷- فعل های باب افعال گاهی لازم و گاهی متعدی هستند. |
| ۳- فعلهای باب مفاعله غالباً متعدی هستند. | ۸- فعلهایی که بر رنگ دلالت دارند لازم هستند: اِسْوَدَّ: سیاه شد. |
| ۴- فعلهای باب اِسْتِفْعَال غالباً متعدی هستند. | ۹- فعلهایی که بر عیب دلالت دارند لازم هستند: بَكَمَّ: لال شد. |
| ۵- فعلهای باب اِنْفَعَال لازم هستند. | |

نکته ۱۰۱: مفعول می تواند به دو صورت در جمله ذکر شود:

۱- اسم ظاهر: اَكَلَ عَلِيٌّ التَّفَّاحَ «علی سیب را خورد»

۲- ضمیر بارز: ۱- منفصل منصوبی: اِيَّاكَ نَعْبُدُ: تنها تو را می پرستیم. (قراتر از مباحث کتاب)

۲- متصل منصوبی: ضَرَبَهُ عَلِيٌّ ← ضَرَبَ: فعل هُ: مفعول به منصوب محلاً علی: فاعل

نکته ۱۰۲: ضمیر (ی) در صیغه (مفرد مؤنث مخاطب) مضارع و امر حاضر فاعلی است و آن را با (یاء مفعولی) نباید اشتباه گرفت.

تذهبین - اِذْهَبِي: ضمیر (ی) فاعل است. عَلَّمَنِي حَرْفًا = ضمیر (ی) مفعول است.

نکته ۱۰۳: ضمیر (نا) که به هر سه قسم کلمه متصل می شود هنگام اتصال به فعل:

اگر متصل به فعل ماضی و ماقبل آن ساکن باشد (صیغه اول شخص جمع ماضی)، فاعل است. در غیر اینصورت مفعول محسوب می شود.

خَرَجْنَا: نا فاعل است چون قبل آن ساکن و فعل ماضی است.

ضَرَبْنَا: نا مفعول است چون قبل آن متحرک است.

اِرْحَمْنَا: نا مفعول است چون متصل به فعل ماضی نیست.

نکته ۱۰۴: ضمیر (نا) اگر به اسم یا حرف متصل شود به ترتیب مضاف الیه و مجرور به حرف جر می شود:

عَلَيْنَا

مجرور به حرف جر

كِتَابِنَا

مضاف الیه و مجرور

حرف است پس

اسم است پس

نکته ۱۰۵: اگر مفعول ضمیر متصل و فاعل اسم ظاهر باشد مفعول باید بر فاعل مقدم شود: شاهدَكَ الأستأذُ في الملعبِ الرياضيِّ
مفعول فاعل

نکته ۱۰۶: اگر دو ضمیر به فعل بچسبند اولی فاعل و دومی مفعول است: نَصَرْنَاكَ لَيْلاً وَ نَهَاراً
فاعل مفعول

به مفعول (مفعول به) هم گفته می شود.

نکته ۱۰۷: در جمله فعلیه علاوه بر نقش های اصلی (فاعل و مفعول) نقش های فرعی دیگری هم وجود دارند.

جمله ی اسمیه

نکته ۱۰۸: جمله اسمیه جمله ای است که با اسم شروع می شود. الشُّكُوتُ ذَهَبٌ

ارکان اصلی جمله اسمیه: مبتدا + خبر

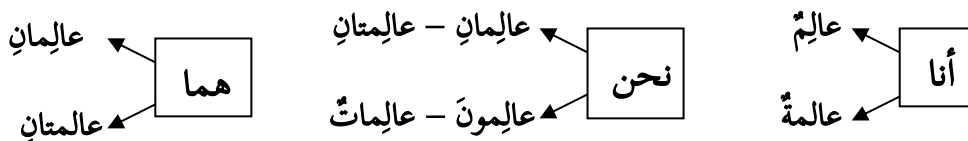
نکته ۱۰۹: مبتدا اسمی است که در ابتدای جمله ی اسمیه می آید و درباره آن خبری داده می شود.

نکته ۱۱۰: خبر کلمه ای است که بعد از مبتدا برای نسبت دادن خبری در مورد آن می آید.

نکته ۱۱۱: برای جمع غیر عاقل، خبر بصورت مفرد مؤنث آورده می شود: الإطلاعاتُ مُفیدَةٌ

نکته ۱۱۲: گاهی برای یک مبتدا چند خبر ذکر می شود: هو عالمٌ كاتبٌ كريمٌ

نکته ۱۱۳: اگر مبتدا یکی از ضمائر زیر باشد باید به تنوع خبر آن دقت شود:



نکته ۱۱۴: خبر سه نوع است که تشخیص آن مهم است:

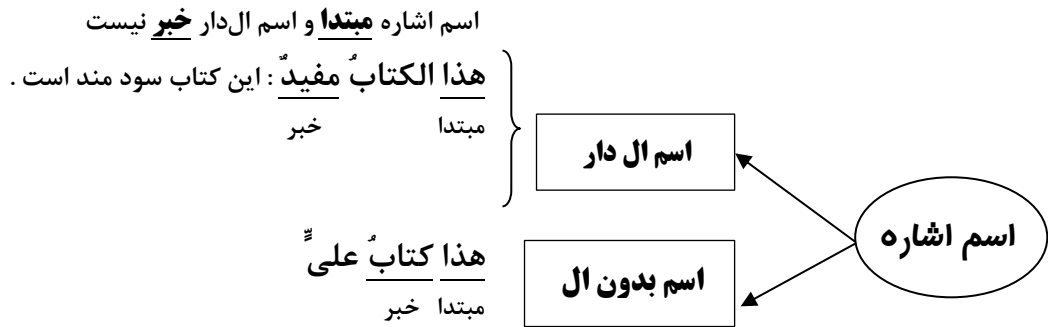
۱- خبر اسمی: التلميذُ ناجحٌ

۲- خبر جمله: التلميذُ ذَهَبَ التلميذُ كَتَبَ درسه

۳- خبر جار و مجرور: التلميذُ في الصفِّ

نکته ۱۱۵: اگر جمله ای با اسم اشاره یا ضمیر شروع شود جمله، اسمیه محسوب می شود و اسم اشاره یا ضمیر مبتداست.

نکته ۱۱۶: نکاتی در مورد مبتدا واقع شدن اسم اشاره و موصول:



اسم موصول + صله ی موصول ^۱ + خبر
الَّذِينَ هَاجَرُوا إِلَى الْحَبْشَةِ يَخْلُقُونَ لَنَا الْمَشْكَلَاتِ
مبتدا صله ی موصول خبر

نکته ۱۱۷: ممکن است بین مبتدا و خبر فاصله بیافتند:

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ لَيْلًا، شَاهِدُوا مِائَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمَلُونَةِ

مبتدا خبر

نکته ۱۱۸: گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می گیرند.

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّفَّاحِ

فاعل صفت مفعول مضاف الیه

نکته ۱۱۹: برخی از جمله های اسمیه و فعلیه ممکن است با اسم یا فعل شروع نشوند:

في المدرسة تلميذٌ (اسمیه) في المدرسة كتبتُ درسی (فعلیه)

نکته ۱۲۰: به نقش هایی مثل (مبتدا ، خبر ، فاعل ، مفعول ، صفة و مضافٌ الیه محل إعرابی گفته می شود)

۱ همواره بعد از الذی ، الّتی ، الذین و... جمله ای می آید که به آن صله موصول گفته می شود. (فرا تر از مباحث کتاب)